

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ع. غ.

۰۷ اپریل ۲۰۲۲

جنگ در اوکراین

بالاخره بعد از مدتها کشمکش سیاسی، که خود به گذشته بعد از فروپاشی شوروی برمی گردد، نیروهای نظامی روسیه برای متحقق کردن ۴ درخواست اعلام شده به اوکراین حمله کرده و وارد خاک اوکراین شدند. ۴ درخواست فوق عبارتند از غیر نظامی شدن اوکراین، به رسمیت شناختن دو جمهوری دونسک و دونباس..... و نیز به رسمیت شناختن کریمه به مثابه جزئی از خاک روسیه، عدم شرکت اوکراین در ناتو. این درخواست ها با این که سه دور مذاکرات انجام شده است هنوز از طرف اوکراین مورد قبول واقع نشده است و فشار روسیه در خاک اوکراین و اشغال بخش های دیگر و سرکوب نیروهای اوکراین و نازیست های طرفدار آنها ادامه دارد. امروز دوازدهمین روز جنگ اوکراین با فشار روسیه برای کامل کردن محاصره کیف به پایان رسید ولی تضادهایی که باعث به وجود آمدن جنگ اوکراین شده است نه تنها فروکش نکرده است بلکه تا سطح رو در روی نظامی بین غرب (اتحادیه اروپا و امریکا) و روسیه در حال فراروئی است.

پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی منجر به جدا شدن تعدادی از کشورهای شد که قبلاً در زیر یک پرچم اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل می دادند. اکثر این کشورها در اروپای شرقی بودند. در جلسات و مذاکرات چند جانبه ای که با حضور امریکا و شوروی و تعدادی از کشورهای اروپای غربی از جمله المان غربی و نیز المان شرقی بود، توافق شده بود که با انحلال پیمان وارسا کشورهای اروپای غربی هیچ یک از کشورهای تازه استقلال یافته را وارد پیمان نظامی نکنند و کشورهای اروپای شرقی کشورهای حائل بین روسیه و ناتو باشند. غرب بعد از فروپاشی شوروی و سالهائی که روسیه در ضعف شدید نظامی و اقتصادی بود توافق ذکر شده را به کنار گذاشت و اکثر کشورهای اروپای شرقی را یا وارد پیمان ناتو کرد و یا مانند یوگسلاوی با زور اسلحه و بدون اسلحه مانند چکسلواکی به چند کشور جدید کوچک تجزیه کرد. روند نزدیک شدن ناتو از طریق اروپای شرقی به مرزهای روسیه همیشه مورد اعتراض روسیه قرار می گرفت ولی کشورهای اروپائی وقعی به اعتراضات روسیه نگذاشته و سیاست گسترش ناتو را دنبال می کردند. در عین حال آنها برای جلب اعتماد، روسیه را به گروه جی ۷ وارد کردند و نام آن را به گروه جی ۸ تغییر دادند. در حالی که در طی چند سالی که روسیه عضو جی ۸ بود. غرب از گسترش ناتو خودداری نکرد. حتی غرب شراکت روسیه را در بازوی نظامی امپریالیستی غرب قبول نکرد.

بهار عربی و شروع جنگ در سوریه اولین قدم جدی روسیه در مقاومت علیه نفوذ غرب در حیطه کشورهای متمایل به خود بود. روسیه بعد از بازسازی اقتصادی و نظامی خود، دیگر کشور ضعیف بعد از فروپاشی نموده و خود را به مثابه یک بازیگر قدرتمند جهانی بالا کشیده است. روسیه اگر در جنگ سرد قدرت نظامی بسیار بالا ولی به لحاظ اقتصادی وضع بشدت بحرانی داشت که به علت مسابقه تسلیحاتی غرب و مدیریت نادرست اقتصادی در حال تحلیل بود. در دوران جدید روسیه دیگر کشورهای اروپای شرقی را در حیطه نفوذ خود ندارد ولی از پشتیبانی کشورهایمانند چین و هند برخوردار است که به لحاظ اقتصادی از قدرت های بزرگ اقتصادی جهان به حساب می آیند .

فروپاشی شوروی در حقیقت فروپاشی بخشی از سرمایه‌داری جهانی بود که در عین حال کل نظام سیاسی جهان را دچار تغییرات جدی هم کرد. اروپا با رشد و گسترش خود و ایجاد حوزه یورو و بحث ارتش اروپائی آهنگ جدائی از امریکا را نواخت و جهانی تک قطبی را که امریکا بعد از فروپاشی شوروی می خواست به وجود بیاورد، ناکام گذاشت. روند رشد و گسترش اروپا که در حال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های امپریالیستی جهان است، امپریالیسم امریکا را به طرف کشورهایمانند انگلستان، استرالیا و کانادا و نیوزیلند برای ایجاد یک قطب جدید دیگر امپریالیستی کشاند .

مقاومت روسیه و همراهی کشوری مانند چین و متحدینش در بازارهای اورآسیا و قرارداد شانگهای، بلوک اروپا - امریکا را در حیطه رقابتی با گروه چین - روسیه متحد نگه داشته است، عروج چین به یک اقتصاد قوی جهانی و ایجاد بلوک بندی‌های عملاً جهانی مانند شانگهای و اورآسیا قطب جدیدی به وجود آورده است که نسبت به قطب‌های دیگر مانند امریکا و اتحادیه اروپا نبوده و در عرصه‌های مختلف از شتاب بیشتری از رشد برخوردار است. چین در حال تبدیل شدن به اولین قدرت اقتصادی جهان و روسیه به پیشرفته‌ترین سلاح‌های نظامی دست یافته است. این قطب در حال کم کردن فاصله خود در برخی زمینه‌ها و پیشی گرفتن در برخی دیگر زمینه‌ها از غرب است .

این روند آینده‌ای را ترسیم می کند که برای غرب و امریکا اساساً خوش آیند نیست. خطر دست به دست شدن هژمونی اقتصادی و نظامی و کلاً نظام سرمایه‌داری جهانی از غرب به شرق هر چه بیشتر در حال عملی شدن است. خطر فوق امپریالیست‌های اروپائی و امریکائی را با همه تضادهای خود در تحولات رقابتی "متحد" نگه می دارد. ساختارهای نظام بین المللی کنونی که بعد از جنگ دوم جهانی زیر سلطه امریکا و غرب بود، در حال فروپاشی، بی خاصیت شدن و یا متمایل به قدرت‌های نوپای جهانی می کند .

کشورهای غربی و به ویژه امریکا دیگر قادر به دیکته کردن سیاست‌های خود به دیگر کشورها نیستند. مقاومتی جدی در برابر آنها وجود دارد که منشأ آن زورگوئی، قلدری، دخالت به ویرانی کشاندن ساختارهای اجتماعی کشورهای ضعیف در خدمت منافع امپریالیستی خود، از بین رفتن میلیاردها دالر در خدمت رقابت‌های جهانی از جیب مردم کارگر و زحمتکش جهان، بحران کل ساختارهای جهانی سرمایه داری و به بن بست رسیدن کل سرمایه‌داری جهان در ارائه زندگی آسوده‌تری برای مردم جهان است .

رقابت‌های سه قطب اتحادیه اروپا، امریکا، چین-روسیه، هر روز شدیدتر شده و تأثیرات عمیق بین المللی از خود به جای گذاشته است. بحیره چین، مسأله تایوان، سوریه و ایران، اوکراین، افغانستان، یمن و.... از نقاطی هستند که قطب‌های جهانی در آن در حال مبارزه با یک دیگر هستند. نقاط بالا از مکان‌هایی هستند که غرب آنها را در حیطه شرق ارزیابی کرده و خواهان یک سره کردن هژمونی در آن کشورها به نفع خود است. تشدید تضادهای سرمایه‌داری بین‌المللی در رقابت بر سر بازارهای جهان و بسته تر شدن این بازارها در زمینه نیروی کار، بازار فروش و مصرف، تولید مواد اولیه با موانع جدید و جدی روبه رو شده است که تا به حال کار را به جنگ‌های نیابتی می کشاند، ولی دوران کنونی دیگر جنگ‌های نیابتی قادر به گشایش بازارها نبوده و نیروهای سرمایه‌داری و قطب‌های بین‌المللی سرمایه‌داری

مجبور به دخالت مستقیم خواهند شد. نمونه‌های اولیه آن با شرکت امریکا در تجاوز به کوریا و ویتنام شروع شد، دخالت روسیه در سوریه، فرانسه در افریقا و... در ادامه روندی است که شدت می یابد .

حمله نظامی به اوکراین برخورد جدیدی از طرف روسیه نسبت به تهاجم غرب و گسترش ناتو و اسلحه‌های اتومی تا پشت مرزهای روسیه است. این یک جنگ نیابتی از طرف دولت بشدت دست راستی اوکراین که در یک ظاهراً اعتراضات میدانی به پارلمان هجوم آورده و رئیس جمهوری طرفدار روسیه را فراری دادند و بعداً با کمک غرب نئونازی‌های اوکراینی به قدرت رسیدند. فاشیست‌های اوکراینی با وارد شدن به تقابل و رقابت‌های روسیه و ناتو عملاً مردم اوکراین را به گوشت دم توپ این کشاکش تبدیل کرده‌اند. از سال ۲۰۱۴ که قرار داد مینسک بسته شده است، دولت اوکراین با حمایت غرب عملاً به این معاهده واقعی نگذاشته است. نازیست‌های تازه به قدرت رسیده با سرکوب ملیت روس تبار اوکراین عملاً همراه تقابلات منطقه‌ای و جهانی به یک ناسیونال-شونیسم اوکراینی نیز دامن می زدند که نتیجه آن کشتار بسیاری از مردم روس تبار اوکراین بود.

جنگ اوکراین ادامه یک سری تقابلاتی است که از سالها پیش شروع شده است. این که چه کسی برنده این جنگ است هنوز حل کننده موضوع نیست. موضوع این است آیا اروپا حوزه امنیت و نفوذ روسیه را می پذیرد یا همچنان قصد پیشروی و برچیدن این حوزه‌ها به نفع خود را دارد. این توهم که عقب نشینی روسیه و به رسمیت شناختن ورود اوکراین به ناتو جلوی پیشروی غرب به سوی شرق را خواهد گرفت فقط می تواند در افکار نیروها و یا افراد پروغری شکل بگیرد. تاریخ غرب سرتاسر توطئه، اشغالگری، ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای و داخلی در کشورهای ضعیف‌تر بوده است. دمکراسی و حقوق بشر غرب هم در خدمت همین منافع امپریالیستی است .

در برابر تلاش‌های امریکا و کشورهای اروپائی برای جلوگیری از قدرت گیری بیشتر چین و متحدش روسیه و فشار به کشورهای قبلی اتحاد جماهیر شوروی، حمله روسیه به اوکراین و ورود ارتش روسیه و اشغال آن حتی به صورت موقت محکوم است. این محکومیت به مفهوم چشم پوشی بر تجاوزات نظامی – سیاسی، به ویرانی کشیدن کشورها و دخالت مستقیم و غیر مستقیم در سرنوشت کشورهای جهان توسط غرب و بازوی نظامی اش ناتو که در بعد از فروپاشی شوروی علیه مردم کشورهای مختلف جهان به راه انداختند، نیست .

در شرایط کنونی جهانی تجاوز و ورود هر سرباز خارجی به کشور دیگر و اشغال آن کشور محکوم است. اینک با ورود ارتش روسیه به اوکراین، ناتو همراه فشار رسانه‌های غربی برای به راه انداختن یک جنگ طولانی و درگیر کردن روسیه در این جنگ، در حال سازماندهی گروه‌های نیابتی نازیستی و فاشیستی از کشورهای مختلف همراه با مزدوران حرفه‌ای همراه اسلحه‌های غرب در حال گسیل به اوکراین جهت جنگ با روسیه است. این جنگی است که زمینه های آن را غرب به وجود آورد و با دست روسیه و اوکراین عملی شده است.

برای این جنگ سناریوهای مختلفی وجود دارد .

جنگ مانند جنگ سوریه به صورت نه جنگ – نه صلح و با درگیری‌های متناوب ادامه می یابد و غرب و روسیه موقعیت‌هایی شبیه سوریه پیدا می کنند.

روسیه جنگ را خواهد برد و یک دولت دست نشانده را آنجا به وجود خواهد آورد

روسیه با دولت فعلی اوکراین به توافق خواهد رسید.

روسیه جنگ را خواهد باخت و از اوکراین عقب نشسته و منتظر پیشروی بعدی غرب در مناطق کشورهای دوست روسیه خواهد بود.

در هر یک از سناریوهای بالا، تضادهای رقابتی بین روسیه و غرب و آمریکا از بین نرفته و تشدید خواهد شد و جهان شاهد رقابت‌ها و جنگ‌های نیابتی و مستقیم بین دول معظم بیشتری خواهد بود.

آنچه که روشن است نه غرب و آمریکا و نه روسیه قصد عقب نشینی از دور جدید رقابتی را ندارند. با گذشت زمان هر روز به ضرر بیشتر غرب خواهد بود؟ در عرصه‌های مختلف نیروهای اقتصادی جدید جهان رشد و فاصله خود را با غرب و آمریکا بیشتر و بیشتر کرده و هژمونی آمریکا و اروپا ضعیف‌تر می‌شود.

جنگ در اوکراین باعث از بین رفتن بسیاری از امکانات اجتماعی و سست شدن نمادهای یک جامعه قانونمند همانطور که در عراق و افغانستان اتفاق افتاد می‌شود که به ضرر طبقه کارگر و کل جامعه است. جنگ‌های ضد انقلابی و ارتجاعی همیشه به قدرت‌گیری نیروهای فاشیستی‌تر و مرتجع اجتماعی چه در سطح قدرت‌گیری سیاسی و چه در افکار اجتماعی منجر می‌شوند. این جنگی در راستای رقابت‌های گروه‌های معظم مالی امپریالیستی و ارتجاعی است که دودش به چشم کارگران و زحمت‌کشان، ویرانی جوامع و آوارگی میلیون‌ها مردم می‌رود.
در نتیجه:

۱ – جنگ باید به فوریت متوقف شود و روسیه از اوکراین عقب نشینی نماید. دخالت روسیه و غرب و آمریکا باید در اوکراین متوقف شود.

۲ – فشار برای وارد کردن اوکراین به اتحادیه نظامی ناتو متوقف شود.

۳ – روسیه و غرب توافق نمایند که ملت‌های روس و اوکراین حق تعیین سرنوشت دارند و حقوق شهروندی همدیگر را به رسمیت می‌شناسند.

در اوضاع کنونی جهانی، جنگ قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری-امپریالیستی جهانی به ضرر کارگران و زحمت‌کشان جهان است. ما خواهان از بین رفتن تمام اتحادیه‌های نظامی و اقتصادی بلوک‌های قدرت در جهان هستیم. هیچ کشوری حق حمله نظامی به یک کشور دیگر را نداشته و دست قدرت‌های بین‌المللی از سر مردم جهان باید کوتاه شود. البته سه راه حل فوق جوابی کاملاً موقت به راه حل مسئله اوکراین است. برای حل نهایی آن کمونیست‌ها و کارگران و زحمت‌کشان اوکراین و روسیه و غرب باید دست در دست هم علیه حکومت‌های سرمایه‌داری کشورهای خودی وارد یک مبارزه مرگ و زندگی برای به دست‌گیری قدرت و سرنگونی تمامی رژیم‌های سرمایه‌داری شوند تا یک بار برای همیشه به نظام سرمایه‌داری که مسبب جنگ‌های خانمانسوز و ویرانگر کنونی است پایان دهند.

دست‌ها از اوکراین کوتاه

دست امپریالیست‌ها از سر مردم جهان کوتاه

کارگران و زحمت‌کشان جهان علیه جنگ به خاطر سوسیالیسم متحد شوید

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

حزب رنجبران ایران